



جنس دوم بار دیگر قامت راست کرد

مرجان افتخاری

مارس 2018

ستمهای جنسیتی، بی حقوقی و سرکوب زنان به هر شکلی، تحت هر عنوانی و هر قانونی با سرکوب دیگر اقشار و طبقات اجتماعی پیوندی ارگانیک دارد. به عبارت دیگر، مبارزه برای آزادی و برابری بدون مبارزه برای رهایی زنان و برابریهای جنسیتی فریبی بیش نیست. تجربه 40 ساله نشان میدهد که در سرمایه داری اسلامی ستم، بی حقوقی، بی عدالتی، تبعیض و نابرابریهای جنسیتی در سرکوب زنان گسترده تر، آشکارتر و وحشیانه تر است.

خیزش دی ماه و بحران اقتصادی ایران را باید از دو زاویه نگاه کرد.

1- نظام سرمایه داری و بحرانهای آن (بخصوصا بحرانی که از نیمه سال 2007 شروع شد)، سیاستهای نئولیبرالی، بیکارسازی، خصوصی سازی واحدهای تولیدی و خدمات دولتی، حذف

بسیاری از امکانات مزدگیران، خصوصی کردن دانشگاهها، افزایش هزینه های درمانی، بهداشتی و حمل و نقل و از سوی دیگر اعمال ریاضتهای اقتصادی فقر و تنگدستی در صد بالایی از مزدگیران را در پی داشت. بطوریکه کارگران و مزدگیران لایه های متوسط و پایینی جامعه در همه کشورها و در ایران با وضعیت دشواری دست به گریبان هستند. در سراسر دنیا بخصوص در کشورهای جهان سوم شکافهای طبقاتی عمیق تر، عریان تر و گسترده تر از گذشته خود را نشان می دهند.

در چند ماه اخیر اعتراضات گسترده در واحد های صنعتی بزرگ و کوچک، مراکز خدماتی، آموزشی، درمانی، بهداشتی و شهرداریها را فرار گرفته است. وضعیتی که در کمتر کشوری می توان نمونه آنرا مشاهده کرد. اگر در جریان بهمن 57 این شهرهای بزرگ بودند که بپاخواستند، در این دوره کارگران، تهیدستان و فرودستان شهرهای کوچک بدلیل گرانی نیازهای اولیه، فقر و تهیدستی نقش فعال تر و رادیکال تری در مبارزات دارند.

جدول زیر تولید ناخالص ملی ایران که محصول کار و رنج مزد بگیران در واحدهای تولیدی و خدماتی است را نشان میدهد. به بیان دیگر تولید ناخالص ملی یکی از شاخصهای ثروت و قدرت مالی کشور و در نتیجه باید رابطه ای با رفاه و کیفیت سطح زندگی مردم داشته باشد. ایران در سالهای 2016 و 2017 به ترتیب در ردیف 26 و 27¹ جهانی از نظر تولید خالص ملی قرار گرفت.²

تولید ناخالص ملی ایران به میلیارد دلار آمریکا ³	
375.40	2015
404.45	2016
427.67	2017
398.43	2018

اما وضعیت اسفباری که امروز مردم در آن زندگی می کنند هیچ تناسبی با میلیاردهای دلار تولید ناخالص ملی ندارد. کودکان خیابانی، کارتن خوابان، گورخوابان، کولبران، زاغه نشینان، حلبی آبادها و تمام کسانی که نیازهای اولیه خود را در زباله ها جستجو میکنند از سیستم تولید و توزیع، درمان و بهداشت حذف شده اند.

جمهوری اسلامی بخش عظیمی از تولید ناخالص ملی، یا بعبارتی حاصل کار و رنج مزدگیران را به ارگانهای سرکوب، سپاه، ارتش و خرید اسلحه اختصاص داده است. هزینه های سرسام آور دخالت در افغانستان و تقویت طالبان، هزینه های سنگین قدرت طلبی و جنگ افروزی در خاورمیانه عراق، سوریه، لبنان و یمن را مزدگیران، زنان و کودکان ایران و این کشورها می پردازند. جنگهای ارتجاعی که برای مردم ایران فقر و تنگدستی و برای مردم این کشورها بمباران، کشتار و آوارگی داشته است.

همچنین در صد قابل ملاحظه ای از تولید ناخالص ملی یا "بودجه کشور" به نهادها، دستگاهها و مراکز دینی داخل و خارج از کشور اختصاص داده شده. بطور نمونه، سازمان فرهنگی و ارتباطات اسلامی 285 میلیارد تومان، سازمان تبلیغات اسلامی 377 میلیارد تومان، مجمع جهانی اهل بیت 41 میلیارد تومان، مجمع جهانی تقریب مذاهب 32 میلیارد تومان و ستاد اقامه نماز 17 میلیارد تومان.⁶ از این بودجه را می برند.

2 همانطور که توضیح داده شد، در ایران بحران اقتصادی تنها به ساختارها و مکانیزم های سرمایه و انباشت سرمایه محدود نمی شود. فساد مالی بی سابقه، رشوه خواری زنجیره ای، به جیب زدن سودهای کلان، دزدی های میلیارد دلاری، خالی کردن صندوق های اجتماعی (معلمان و بازنشستگان)، کلاه برداریها و ایجاد بانکهای فرضی مانند کاسپین، البرزو آرمان چیزی غیر از غارت و چپاول سهم کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان نیست که به گستردگی بحران اقتصادی دامن زده است.

نرخ بیکاری و زنانه شدن فقر و تهیدستی

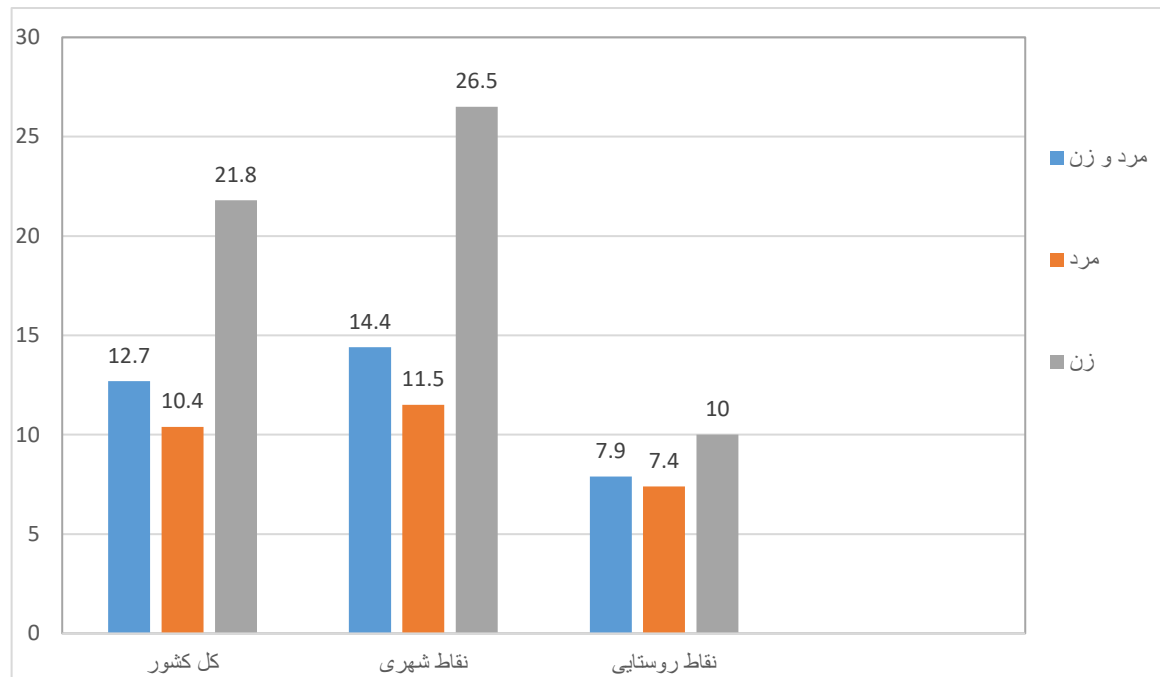
طبق درگاه آمار، سایت رسمی جمهوری اسلامی میانگین سنی کل کشور در سال 1395 برای مردان 30.9 و برای زنان 31.3 گزارش شده است. در همین سال، میانگین سنی مردان و زنان در نقاط شهری به ترتیب 31.3 و 31.6 و در نقاط روستایی 29.7 برای مردان و 30.5 برای زنان ذکر شده است. طبق همین منبع آمار 50% جمعیت ایران زیر 30 سال دارند. اگر فقط آمار بیکاری سال 1395 شهری را در نظر بگیریم و اینکه 50% جمعیت زیر 30 سال دارد، نرخ واقعی بیکاری برای کل جمعیت فعال شهری به بیش از 60% میرسد.

نرخ بیکاری جوانان 15 تا 24 سال بر حسب مناطق شهری و روستایی⁵

1395	1394	1393	1392	
29.2	26.1	25.2	24.0	کل کشور
32.3	29.3	28.5	28.2	شهری
22.5	20.0	18.8	16.1	روستایی

شیوه آمارگیری و سیاستهای دولت در اعلام آمار بیکاری بویژه نرخ بیکاری زنان ما را از دستیابی به آمار دقیق بیکاری زنان دور می کند. یکی از این سیاستهای آمار حذف و کنار گذاشتن زنان خانه دار از جمعیت فعال و جویای کار است. سیاستی که زنان خانه دار را از تمام سیستم اداری، کار یابی، بیمه تامین اجتماعی و بیمه بازنشستگی حذف می کند. به این وسیله زنان خانه دار تنها در آمار سرشماری جمعیت بدون جایگاه اقتصادی مطرح می شوند. با این حال گاهی مسئولین و منابع رسمی با تناقض گویی آمار را منتشر میکنند که به واقعیت وضعیت اقتصادی زنان نزدیک تر است. اعلام نرخ بیکاری زنان ردیف سنی 15 تا 24 سال استان چهار محال و بختیاری 73.7% و آذربایجان شرقی 17.7% فقر و تهیدستی زنان در این دو استان را نشان میدهد⁷. همینطور انتشار میانگین 47.3% نرخ بیکاری زنان برای همین ردیف سنی در تابستان سال 95 در 15 استان کشور و یا اعلام سه برابر نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان از سوی محمد رضا نعمت زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت در دومین نمایشگاه بین المللی نقش آفرینی زنان در توسعه، در شهریور امسال چیزی به غیر از زنانه شدن فقر و تهیدستی نیست⁸.

نرخ بیکاری جمعیت 10 سال و بیشتر به تفکیک جنسی، نقاط شهری و روستایی در تابستان 95⁹



این آمار درصد بالای نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان در نقاط شهری را نشان میدهد.

کنار گذاشتن زنان و حذف آنها از مناسبات اقتصادی و تولید اجتماعی که دقیقاً پس از بهمن سال 57 آغاز شد برای پیشبرد سیاستهای عقب مانده، ارتجاعی و اسلامی کردن ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه نتایج زیر را بدنبال داشته است.

- 1- تبدیل زنان به کارگران خانگی رایگان (زنان خانه دار) با ساعات کار نامحدود و بدون دستمزد
- 2- وابستگی اقتصادی زنان به مردان، عدم استقلال مالی و اجتماعی و تأثیرات روحی و روانی آن
- 3- مردانه کردن محیطهای کاری و بطور کلی جامعه
- 4- اسلامی کردن بنیانهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، تقویت و رشد بیشتر ساختارها و مناسبات مرد سالارانه و در نهایت جنسیتی کردن مناسبات و روابط اجتماعی.
- 5- کنار گذاشته شدن زنان از تمامی روابط اجتماعی، اخبار، وقایع و حوادث
- 6- کنار گذاشتن زنان از مبارزه برای حق و حقوق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
- 7- تقلیل زنان به ماشین تولید مثل و نگهداری کودکان

جایگاه زنان در مبارزات اجتماعی

مبارزه زنان با فرهنگ و سنتهای پوسیده و عقب مانده مذهبی، تبعیضهای جنسیتی، بی عدالتیها و نابرابریهای تاریخی طولانی دارد. زرین تاج قزوینی، مشهور به قره العین، پروین اعتصامی و فروغ فرخ زاد نمونه هایی از زنان مبارز و سنت شکن در دوره های مختلف تاریخی هستند. و همچنین مبارزات زنان در دوره سلطنت پهلوی بخصوص (سازمان چریکهای فدایی و سازمان پیکار) برگ زرینی در تاریخ جنبش کمونیستی ما است.

در چهار دهه اخیر با روی کار آمدن جمهوری اسلامی زنان کارگر، دانشجو، معلم، پرستار و خانه دار که در جریان بهمن 57 فعالانه شرکت داشتند اولین گروه اجتماعی بود که مورد سرکوب قرار گرفت. پس از زنان، دانشجویان و دانشگاهها بعنوان سنگر مبارزه و آزادی در جریان انقلاب فرهنگی سرکوب

کامل شدند. در نهایت اوج سرکوبها با دستگیریها و اعدامها در دهه 60 ادامه پیدا کرد که در این دوره وحشت و ترور تعداد زیادی از زنان و مردان انقلابی اعدام شدند. با وجود اینکه سرکوب مشخصه رژیمهای دیکتاتوری است، ولی سرکوب همه جانبه سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بیشتر به قتل عام سوهارتو در اندونزی در سال 1965 شباهت دارد.

اگر چه در طول این چهار دهه، مبارزات زنان مانند مبارزات کارگران، معلمان و دانشجویان افت و خیزهایی داشت، و در دوره ای اصلاح طلبان دولتی و غیر دولتی در راس مبارزات زنان قرار گرفتند، درست مانند شوراهای اسلامی کارگران یا دفتر تحکیم دانشجویان ولی در نهایت منجر به پالایش و جدایی صفوف مبارزاتی آنها شد.

از دی ماه امسال موج جدید و گسترده مبارزات کارگران، کشاورزان، حاشیه نشینان، تهیدستان و زنان تغییر بی سابقه ای در فضای سیاسی بوجود آورده است. بطوریکه مبارزات زنان و شکل جدید آن در مورد حجاب اسلامی یعنی هویت سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی منجر به واکنشها و بحثهایی در فضای مجازی شد.

محور این بحثها را میتوان اینطور خلاصه کرد. "انحراف در مبارزه کارگران و تهیدستان، کمرنک کردن آن، انحراف از مبارزه طبقاتی، حرکتی اصلاح طلبانه و بورژوازی، حجاب موضوع و مشکل زنان کارگر و فرودست نیست و فاقد اهمیت است"

این دیدگاه تا آنجا جلو رفت که سعی کرد شعار معروف "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را جایگزین حرکت و مبارزه "مشخص" زنان قرار دهد. در حالی که این شعار یا مطالبه فاقد هویت سیاسی-طبقاتی و یا جنسیتی مشخصی است. شعاری که طیف وسیعی از زندانیان سیاسی مانند نوه آیت الله بروجری و یا در اویش گنابادی را هم شامل میشود. اگر چه بدون کمترین تردیدی باید خواستار آزادی تمامی زندانیان عقیدتی و سیاسی شد ولی هدف این دیدگاه چیزی غیر از مخدوش کردن، لوث کردن و اساسا پنهان کردن مبارزات زنان علیه حجاب بعنوان نماد عریان سرکوب جنسیتی نیست.

متأسفانه با گذشت 40 سال و با تغییر و تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهانی و در ایران هنوز ما با دیدگاهها و تحلیلهای سنتی و انتزاعی سالهای 57 روبرو هستیم. در واقع این دیدگاه که تنها از مبارزات اکونومیستی کارگران (دستمزدهای پرداخت نشده) حرکت میکند، ستم و استثمار را تنها به طبقه کارگر و مطالبات اقتصادی تقلیل میدهد. در حالی که در نظام سرمایه دای تمامی اعتراضات، خیزشها و جنبشها یی که ستم (جنسیت، ملیت، قومیت، مذهب) را به چالش می کشند و در برابر قدرت سیاسی قرار می گیرند بشکلهای مختلف در کشاکشها و تضاد طبقاتی نقش دارند.

گرانی کمر شکن نیازهای اولیه، فقر معلمان و بازنشستگان، بیکاری و فرودستی حاشیه نشینان و دستفروشان، عدم پرداخت دستمزد کارگران، کم آبی و مشکلات کشاورزان و همچنین خصوصی کردن دانشگاهها، جدا سازیهای جنسیتی و واحدهای دانشگاهی، پادگانی کردن دانشگاهها و سرکوب دانشجویان، غارت حساب های بانکی مردم، آلودگی هوا و ریزگردها، حتی موضوع در اویش گنابادی مجموعه ای است که از دی ماه گذشته طیف وسیعی از استثمار شدگان، فرودستان، ستم دیدگان و سرکوب شدگان را به میدان مبارزه کشانده است.

زنان بعنوان بزرگترین گروه اجتماعی از ستم دیدگان، سرکوب شدگان و فرودستان جنسیتی در این میدان مبارزاتی جایگاه کمتری از دیگر گروه های اجتماعی ندارند. بخصوص آنجا که مبارزات زنان بر علیه حجاب اجباری اسلامی هویت سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، تمام قوانین مذهبی و سرکوب های جنسیتی آنها را به چالش میکشد. هر نیرویی که آزادی و برابری سوسیالیستی را در افق مبارزاتی

داشته باشد نمی تواند مبارزات زنان را تنها به حوزه اقتصادی تقلیل دهد و یا نسبت به مبارزات آنها بی تفاوت باشد.

1-<https://www.journaldunet.com/patrimoine/finances-personnelles/1171985-classement-pib/1172296-iran>

2- <https://www.journaldunet.com/patrimoine/finances-personnelles/1171985-classement-pib>

3-<https://www.lemoci.com/fiche-pays/iran/indicateurs>

4 <http://www.hamshahrionline.ir/details/354402>

5- <https://www.amar.org.ir/%D9%BE%D8%A7%DB%8C%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D8%B3%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%87%D8%A7/%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C>

سایت درگاه ملی آمار ، سریهای زمانی

6-..<http://www.hamshahrionline.ir/details/354402>

7 - <http://www.irna.ir/fa/News/82367153%20%202>

7 - <http://www.irna.ir/fa/News/82367153>

8 - <https://khabarfarsi.com/u/6829706>

9 - https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1395/n_ank_95-2.pdf